

سخن سردیبر

امروزه نگاه به محیط زیست و طبیعت که انتظار می رفت از سر دغدغه های فرهنگی و ارزشی، رونق بگیرد، در عمل، تحت تاثیر شرایط عینی و الزامات بیرونی و به واسطه ی ارتباط تنگاتنگی که با زندگی انسانی دارد، به یک ضرورت غیرقابل انکار محسوب می شود. بدیهی است در این میان، توجه به جامعه شناسی محیط زیست به یک رشته تخصصی که از جمله، به مطالعه تعامل میان نظام های اجتماعی و نظام های محیط زیستی می پردازد، جایگاه ویژه پیدا می کند. اگر چه از تدوین درس "جامعه شناسی محیط زیست" و آغاز تدریس آن در دانشگاه مازندران، به یک دهه قبل باز می گردد، اما با گذر زمان و افزایش علاقمندان دانشجویان تحصیلات تکمیلی به مطالعات اجتماعی محیط زیست، احتمال زمینه مناسب برای انتشار یک فصل نامه علمی پژوهشی در حوزه جامعه شناسی محیط زیست را تقویت نموده و در این راستا، مایه خرسندی است که با مشارکت علمی صاحب نظران، پژوهشگران و کمک همکاران محترم در فصل نامه، شماره سوم نشریه "جامعه و محیط زیست"، انتشار یافته است.

شماره سوم فصل نامه "جامعه و محیط زیست"، اکنون پیش روی علاقمندان است. در این شماره، با توجه به موضوعات متنوعی که در حوزه محیط زیست وجود دارد و کیفیت زندگی انسان را تحت تاثیر قرار داده، تلاش شده است تا نوعاً، آن دسته از مقالات علمی و پژوهشی جهت انتشار مورد توجه قرار گیرد که نه تنها به توصیف وضعیت موجود می پردازند، بلکه تحلیل های علمی از وضعیت های مورد بررسی ارائه می دهند. به طور کلی، در این شماره، موضوعاتی چون مسئولیت پذیری محیط زیستی، ارتباط جوامع صنعتی و محیط زیست، حفاظت مشارکتی پارک ها، نقش رسانه ها در افزایش مشارکت محیط زیستی، فرهنگ محیط زیستی و رفتار مصرف انرژی مورد توجه قرار گرفته اند. امیدواریم که مطالب این شماره الهام بخش شما عزیزان باشد و گامی مؤثر در راستای ارتقاء آگاهی های اجتماعی و محیط زیستی برداشته شود. ما به عنوان یک جامعه علمی و فرهنگی، مسئولیت داریم تا با همدلی و همکاری، به حفظ کره زمین و بهبود کیفیت زندگی نسل های آینده پردازیم.

شماره سوم فصلنامه "جامعه و محیط زیست" نیز دارای شش مقاله می باشد که هر کدام تلاش نمودند به نوعی به مطالعه و تبیین یکی از وضعیت های محیط زیستی در ارتباط با جامعه پردازد.

مقاله اول با عنوان " مطالعه نقش سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری محیط‌زیست (مورد مطالعه: شهر خوی) " می‌باشد که هدف اصلی آن مطالعه تاثیر سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر مسئولیت‌پذیری زیست محیطی شهروندان بالای ۲۰ سال شهر خوی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد متغیرهای سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه مثبتی با مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی دارند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد ۱۱/۱ درصد تغییرات متغیر مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی به وسیله دو متغیر «سرمایه اجتماعی» و «سرمایه فرهنگی» تبیین می‌شود.

مقاله دوم با عنوان " تراکم جوامع صنعتی و محیط زیست: شواهدی از کشورهای آسیا " به بررسی ارزیابی اثر تراکم صنعتی بر انتشار دی‌اکسید کربن در پانلی از کشورهای آسیا طی دوره زمانی ۱۹۹۰-۲۰۲۲ می‌پردازد. نویسندگان در این مقاله تلاش داشته‌اند تا تراکم صنعتی جوامع را با رویکرد پانل کوانتایل مورد بررسی قرار دهند. مطابق ادعای نویسندگان، نتایج در سه گروه کوانتایل‌های پایین، متوسط و بالا طبقه‌بندی شد. از نتایج پژوهش حاضر این است که افزایش تراکم صنعتی باعث افزایش انتشار کربن در کشورهای آسیا می‌شود. نتایج آنالیز بیشتر در گروه کشورهای عمده نفتی آسیا نیز بیانگر این است که بین تراکم صنعتی و انتشار دی‌اکسید کربن در کوانتایل‌های بالا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج آزمون علیت پانل دومیترسکو و هورلین رابطه دو طرفه بین تراکم صنعتی و انتشار CO₂ را نشان می‌دهد.

مقاله سوم در این فصلنامه با عنوان " بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت و تمایل مردم در حفاظت مشارکتی پارک ملی سالوک " می‌باشد. هدف این مقاله واکاوی عوامل مؤثر بر مشارکت و تمایل مردم در حفاظت مشارکتی پارک ملی سالوک است. این پارک در منطقه سارمران و روستای سارمران، جزء دهستان دامن کوه از روستاهای اسفراین در خراسان شمالی واقع شده است. نتایج یافته‌های نویسندگان مقاله نشان داد مشارکت اجتماعی در زنان و مردان با یکدیگر تفاوت ندارد. بین متغیرهای مشارکت و حفاظت در امور پارک، وضعیت اقتصادی، روابط اجتماعی روستاییان و انسجام روستایی، با مشارکت در طرح و همچنین بین متغیر اقتصادی با انسجام روستایی همبستگی متوسطی وجود دارد. ولی بین سن و مشارکت، همبستگی منفی وجود دارد. بطور کلی، افراد به مشارکت در طرح‌ها مشتاق بوده و عواملی مانند سودآوری اقتصادی طرح‌ها، تحصیلات و شغل، تاثیر مهمی در مشارکت مردم در مدیریت منطقه ایجاد کرده است.

چهارمین مقاله ی فصلنامه "جامعه و محیط زیست" به عنوان "بررسی نقش تلویزیون در افزایش آگاهی و مشارکت محیط زیستی دانشجویان دانشگاه‌های تهران با استفاده از مدل احتمال ارزیابی" اختصاص یافت. در این مقاله اشاره شده که امروز در کنار انواع بحران‌هایی که مردم در جامعه‌ی مدرن با آن دست و پنجه نرم می‌کنند می‌توان به بحران محیط زیست اشاره داشت و از آنجا که آموزش و توانمندسازی انسان‌ها در مواجهه مناسب با این بحران‌ها اصلی بی‌بدیل محسوب می‌شود، نقش رسانه‌ها در افزایش آگاهی غیرقابل انکار است. در ادامه، نویسندگان سعی نمودند به بررسی نقش تلویزیون در افزایش آگاهی محیط‌زیستی در شهر تهران بپردازند. یافته‌ها نشان داد با توجه به پاسخ‌های گویه‌های آگاهی بخشی، تلویزیون ضعف پررنگی در انعکاس، تبیین و تشریح مصادیق و مفاهیم عرصه منابع طبیعی و محیط‌زیست کشور دارد. مع الوصف، به زعم پاسخگویان، تلویزیون نتوانسته نیاز آن‌ها را تأمین کند و به نحوه شایسته و مؤثر به محیط‌زیست بپردازد. همچنین، نتایج نشان داد که میزان اثر پاسخ شناختی در بالابردن آگاهی محیط زیستی بیشتر شده است.

مقاله پنجم از شماره سوم فصلنامه "جامعه و محیط زیست" تحت عنوان "تحلیل عاملی فرهنگ محیط‌زیستی و ارتباط آن با انواع سرمایه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی)" می‌باشد در این مقاله محققان سعی نمودند تا با استفاده از روش پیمایش به بررسی بعد ذهنی فرهنگ محیط‌زیستی با سه مؤلفه ارزش‌های محیط‌زیستی، هنجارهای محیط‌زیستی و نگرانی‌های محیط‌زیستی و بعد عینی آن با سه مؤلفه رفتار محیط‌زیستی، مسئولیت‌پذیری محیط‌زیستی و اقدام برای محافظت از محیط‌زیست، بپردازند. یافته‌های پژوهش نشان داد که فرهنگ محیط‌زیستی با سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معنادار دارد. در واقع نویسندگان پژوهش نتیجه می‌گیرند که ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی شهروندان می‌تواند نقش مهمی در تقویت فرهنگ محیط‌زیستی افراد داشته باشد.

ششمین و آخرین مقاله‌ای که در این شماره به چاپ رسید مقاله‌ای تحت عنوان "تحلیل جامعه‌شناسی نگرش‌های محیط زیستی و رفتار مصرف انرژی" می‌باشد. از نظر نویسندگان از دو منظر به مسئله انرژی نگریسته می‌شود. یکی تعهد دولت‌ها در قبال تولید انرژی پاک و تجدید پذیر و دیگری تعهد شهروندان در قبال چگونگی مصرف انرژی است. به لحاظ تئوری مهم‌ترین عامل اثرگذار بر مصرف انرژی، نگرش‌های شهروندان نسبت به مصرف انرژی است. این مقاله مبتنی بر یک روش پیمایشی در میان شهروندان شهر سنندج انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که نگرش محیط زیستی بر رفتار مصرف انرژی شهروندان اثرگذار است و ضریب تاثیر نگرش محیط زیستی بر رفتار

مصرف انرژی ۰/۷۹ در سطح ۰/۹۹ درصد معنی دار است. همچنین، نگرش محیط زیستی، ۵۸ درصد از تغییرات رفتار مصرف انرژی شهروندان را تبیین می کند. امید است انتشار مجله "جامعه و محیط زیست"، در تبیین تعامل نظام های اجتماعی و محیط زیست و طبیعت، مورد توجه همه علاقمندان، ذی نفعان و سیاستگذاری حوزه محیط زیست قرار گیرد.
